

آیا کتاب الامامه و السياسه برای ابن قتیبه دینوری است؟

سوال کننده : مسعود صادقی

طرح شبهه :

کتاب «الامامه و السياسه» تألیف ابن قتیبه دینوری نمی باشد و محققان در انتساب آن به ابن قتیبه دینوری تردید دارند. انتساب این کتاب به ایشان از جانب محققان مستشرق و مسلمان مورد نقد قرار گرفته و کسی آن را معتبر نمی داند. دلیل عمده محققان آن است که هیچ يك از نام کتاب الامامه و السياسه را ذکر در فهرست آثار وی ذکر نکرده اند. «دوزی DOZY معتقد است که «الامامه و السياسه» نه قدیمی است و نه صحیح؛ زیرا حاوی اشتباهات تاریخی و روایات خیالی و غیر معقول است. از این رو انتساب چنین تصنیف ضعیفی به ابن قتیبه ممکن نیست.

نقد و بررسی :

اصل روایت ابن قتیبه :

قال وإن أبا بكر رضي الله عنه تفقد قوما تخلفوا عن بيعته عند علي كرم الله وجهه فبعث إليهم عمر فجاء فنأدهم وهم في دار علي فأبوا أن يخرجوا فدعا بالحطب وقال والذي نفس عمر بيده لتخرجن أو لأحرقنهما علي من فيها فقبل له يا أبا حفص إن فيها فاطمة فقال وإن فخرجوا فبايعوا إلا عليا فإنه زعم أنه قال حلفت أن لا أخرج ولا أضع ثوبي علي عاتقي حتي أجمع القرآن فوقفت فاطمة رضي الله عنها علي بابها فقالت لا عهد لي بقوم حضروا أسوأ محضر منكم تركتم رسول الله صلي الله عليه وسلم جنازة بين أيدينا وقطعتم أمركم بينكم لم تستأمرونا ولم تزدوا لنا حقا.

الدینوری، أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتیبة (متوفای 276هـ)، الإمامة و السياسه، ج 1، ص 16، تحقیق: خلیل المنصور، ناشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1418هـ - 1997م، با تحقیق شیری، ج 1، ص 30، و با تحقیق، زینی، ج 1، ص 19.

یکی از شبهاتی که وهابی ها مطرح می کنند که در واقع با مطرح کردن آن می خواهند از واقعیت های مطرح شده در این کتاب فرار کنند، این است که می گویند، کتاب الإمامة و السياسه، نوشته ابن قتیبه دینوری نیست.

از آن جایی که ابن قتیبه دینوری، متوفای 276 هـ، از دانشمندان بنام و از بزرگان و فحول اهل سنت در ادبیات، تاریخ، فقه، حدیث، علوم قرآن و... به شمار می آید و وهابی ها نمی توانند در وثاقت و شخصیت خود او تردید کنند، تلاش می کنند که حتی امکان انتساب کتاب الإمامه و السياسه را به ایشان مخدوش و آن را از درجه اعتبار ساقط نمایند.

بنابراین، تحقیق و پاسخی هر چند مختصر بر این تلاش های غیر علمی را بر خود لازم می دانیم:

اولاً: این کتاب بارها با نام مؤلف آن «ابن قتیبه دینوری» در مصر و سایر کشورها چاپ شده و حتی چندین نسخه خطی از این کتاب در سراسر دنیا؛ از جمله در کتابخانه های مصر، پاریس، لندن، ترکیه و هند موجود است؛

ثانیاً: تا زمانی که عالمان اسلامی وجود دارند، استناد به کلمات مستشرقانی همچون دوزی و... دور از شأن يك محقق اسلامي است، و اصولاً در صحت انتساب و عدم آن چه نیازی به بیگانگان است؟ و چرا باید سراغ مستشرقینی رفت که در بسیاری از موارد وجود پیامبر اسلام صلي الله عليه وآله وسلم را نیز انکار کرده اند؟. معلوم می شود دست دوستان اهل سنت از دلیل کوتاه شده است که به دامن مستشرقان پناه برده اند؛

ثالثاً: بسیاری از عالمان اهل سنت؛ حتی از علماء و بزرگان معاصر آن ها، به تألیف این کتاب و صحت انتساب آن به «ابن قتیبه» تصریح داشته و در نقل روایات تاریخی به آن استناد کرده اند، که به اختصار به اسامی چند تن اشاره می کنیم:

1. ابن حجر هیثمی در کتاب تطهیر الجنان و اللسان.

ابن حجر الهیثمی، أبو العباس أحمد بن محمد بن علی (متوفای 973هـ)، تطهیر الجنان و اللسان، ص 72.

2. ابن عربی مالکی، در کتاب العواصم من القواصم ضمن نقل مطالبی از این کتاب به صحت انتساب آن به «ابن قتیبہ» تصریح دارد.

ابن العربی، محمد بن عبد الله أبو بكر (متوفای 543هـ)، العواصم من القواصم في تحقیق مواقف الصحابة بعد وفاة النبي صلی الله علیه وسلم، ج 1، ص 261، تحقیق: محب الدین الخطیب - محمود مهدی الاستانبولی، ناشر: دار الجیل - لبنان - بیروت، الطبعة: الثانية، 1407هـ - 1987م.

3. نجم الدین عمر بن محمد مکی مشهور به «ابن فهد» در کتاب اتحاف الوری باخبار ام القری در ذکر حوادث سال 93هـ، مینویسد: و قال ابو محمد عبدالله بن مسلم ابن قتیبة في كتاب الامامة و السياسة....

ابن فهد، نجم الدین عمر بن محمد مکی، اتحاف الوری باخبار ام القری، حوادث سال 93 هـ ق.

و سپس حکایت دستگیری «سعید بن جبیر» را به نقل از آن کتاب ذکر می کند.

4. قاضی ابو عبدالله تنوزی معروف به «ابن شباط» در کتاب الصلة السمطیه.

التنوزی، أبو عبد الله، الصلة السمطیه، فصل دوم، باب 34.

5. تقی الدین فاسی مکی در کتاب العقد الثمین.

فاسی المکی، تقی الدین، العقد الثمین، ج 6، ص 72.

6. یوسف ایان سرکیس در کتاب معجم المطبوعات العربیة ضمن ارائه شرح زندگی «ابن قتیبہ» از کتاب او نام برده است:

2 الإمامة والسیاسة ابتداء فيه بذكر فضل أبي بكر وعمر. مط النيل 1322 جزء 2 بتصحيح محمد محمود الرافي مصر 1327 ص 395 مط الفتوح الأدبية جزء 2 1331 ص 181 و 184.

سرکیس، یوسف البیان (متوفای 1351هـ)، معجم المطبوعات العربیة، ج 1، ص 211، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي - قم، 1411هـ.

7. فرید وجدی در کتاب دایرة المعارف القرن العشرين می نویسد:

اورد العلامة الدینوری فی کتابه الامامة و السياسة....

وجدی، فرید، دایرة المعارف القرن العشرين، ج 2، ص 754.

و باز در جایی دیگر می نویسد:

... کتاب الامامة و السياسة لابی محمد عبدالله بن مسلم الدینوری المتوفی سنة 270 هـ.

همان، ص 749.

8. دکتر احمد زکی صفوت نویسنده شهیر معاصر و استاد زبان عربی در دانشگاه مصر در کتاب جمهرة خطب العرب، در چندین جا مطالبی را از کتاب الإمامة و السياسة نقل و آن را به ابن قتیبہ نسبت می دهد.

وزاد ابن قتیبة في الامامة و السياسة: والله يا أهل العراق ما أظن هؤلاء القوم من أهل الشام إلا ظاهرين عليكم.

صفوت، أحمد زكي، جمهرة خطب العرب، ج 1، ص 422، ناشر: المكتبة العلمية - بيروت.

وزاد ابن قتیبة في الإمامة و السياسة: فرق الله بيني وبينكم وأعقبني بكم من خير لي منكم وأعقبكم

جمهرة خطب العرب، ج 1، ص 426.

نص آخر لخطبة طارق. وروي ابن قتیبة هذه الخطبة في الإمامة و السياسة بصورة أخرى.

جمهرة خطب العرب، ج 2، ص 316.

آیا تصریح این همه از علما و بزرگان اهل سنت بر انتساب این کتاب به ابن قتیبه کفایت نمی کند؟

رابعاً: عده ای از بزرگان اهل سنت علی رغم قبول صحت انتساب این کتاب به « ابن قتیبه » و تأیید حقایق تلخ و ناگواری که در آن از تاریخ صدر اسلام نقل شده، بر او ایراد گرفته اند که چرا وی به وظیفه پرده پوشی و سانسور حقایق و تحریف تاریخ عمل نکرده است! آن ها اظهار داشته اند که او نیز همچون دیگران می بایست از نقل این حقایق خودداری می کرد!!

ابن عربی در کتاب *العواصم من القواصم* اظهار می دارد:

ومن اشد شيء علي الناس جاهل عاقل أو مبتدع محتال فأما الجاهل فهو ابن قتيبة فلم يبق ولم يذر للصحابة رسماً في كتاب الإمامة والسياسة ان صح عنه جميع ما فيه

از جمله سخت ترین و ناگوارترین امور در جامعه یکی اندیشمند ناآگاه و دیگری بدعت گذار حيله گر است؛ اما اندیشمند ناآگاه همچون ابن قتیبه است که در کتاب «الإمامة و السياسة» رسم [پرده پوشی] را در باره صحابه مراعات نکرده؛ اگر نسبت تمام مطالب این کتاب به او صحیح باشد (در انتساب اصل کتاب به او تردیدی نیست؛ ولی در صحت همه مطالب تشکیک میکند).

ابن العربي، محمد بن عبد الله أبو بكر (متوفای 543هـ)، *العواصم من القواصم في تحقيق مواقف الصحابة بعد وفاة النبي صلي الله عليه وسلم*، ج 1، ص 261، تحقیق: محب الدين الخطيب - و محمود مهدي الاستانبولي، ناشر: دار الجيل - لبنان - بیروت، الطبعة: الثانية، 1407هـ - 1987م.

اگر هیچ دلیل دیگری بر انتساب کتاب به ابن قتیبه وجود نداشت، جز همین سخن ابن عربی، برای اهل حق کفایت می کرد؛ چرا که این اعتراف افزون بر آن که انتساب کتاب را ثابت می کند، انگیزه اهل سنت از این همه تلاش را بر انکار انتساب آن نیز به خوبی روشن می سازد.

اهل سنت معتقدند که بر مورخان و محدثان واجب است تا در هنگام مواجهه با اخبار مربوط به رفتارهای سوء صحابه سکوت، پوشیده داشتن و پرده پوشی کنند .

هنگامی که خودداری از نقل مشاجرات صحابه واجب باشد، اجتناب از نقل ستم ها و تعدیات و صدماتی که به حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه اطهر (علیها السلام) و سایر اهل بیت (علیهم السلام) روا داشته اند در نزد آن ها به طریق اولی و جوبش شدیدتر خواهد بود.

جالب این است که جناب مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی، امام جمعه اهل سنت زاهدان نیز در مصاحبه خویش متذکر میشود: ما موظف به حفظ حرمت صحابه هستیم. ما نمی گوییم که صحابه معصومند و گناه نمی کنند؛ اما نباید به جای یادآوری خوبی ها و اعمال صواب آن ها، متذکر خطاهایشان باشیم....

نشریه ندای اسلام، حوزه علمی دارالعلوم زاهدان، سال اول، شماره 4، ص 11.

نتیجه:

به اعتراف بزرگان اهل سنت، کتاب الإمامة والسياسة، نوشته ابن قتیبه دینوری است و انگیزه اهل سنت از انکار آن، پنهان ماندن حقایقی است که ابن قتیبه بی پرده آن ها را بیان کرده است.

گروه پاسخ به شبهات

مؤسسه تحقیقات حضرت ولی عصر (عج)